

مرور زمان = قسمت دوم

در انگلستان مرور زمان را لی می تیشن (Limitation) میگویند که معنی تحت الفظی آن تحدید است و آن اصلی است که در سایه آن اصل کلیه دعاوی انگلستان در مدت معینی در نتیجه تملك عین و یا اسقاط حقی محدود گشته و از زمانی که مدعی علیه مالک ملك متصرف شده میگردد مدعی هم در همان زمان مالکیت عین از او منتزع خواهد شد و تعریفی که یکی از علمای بزرگ حقوق انگلستان در مورد مرور زمان نموده و این مفهوم را کاملا میرساند ذیلا مینگارد .

Limitation, statutes of the name given to act of Parliament by which rights of an action are limited in England to a fixed period, This is acquisition or extinction of rights by laps of time.

در انگلستان دو قسم مرور زمان موجود است یکی مرور زمان مسقط که در بعضی از حقوق شخصی و حقوق عینی مصداق پیدا نموده و آنرا لیمیتیشن میگویند و دیگر پرسکرپشن میباشد که بمثابه اوزو کابیون بوده و از جمله حقوق مملك بشمار خواهد رفت .

در انگلستان ابتدا مرور زمان را برای تحکیم مالکیت املاک وضع نموده ولی در نتیجه تصمیمات مجلس شوری در دوره ادوار (Edouard) و ابتداء سلطنت ریشارد اول (Richard) برای هر نوع دعای اعم از منقول و غیر منقول يك نوع مرور زمان قائل شدند و ریشارد در نتیجه مقاومت برای پیشرفت این امر به شیر دل موسوم گردید .

در ۱۸۷۴ قانونی باسم ری آل پروپرتی لی می تیشن -

(Real property limitation) وضع گردیده و بعد هم قانون گیوم چهارم

جای آن را گرفته و مدت مرور زمان را کم نموده است .
 قانون ۱۶۲۳ برای دعاوی شخصی و همچنین قانون ۱۸۳۳ برای آن
 حدود و شرائطی قائل شدند که امروز قسمت اعظم از قوانین انگلستان را
 تشکیل میدهد .

چون حقوق انگلستان از سه منبع تشکیل میشود یکی قانون که آنرا
 (Statute Law) استه تیوتلا و دیگری انصاف اکوئیتی (Equity) و قسمت
 مهم آن کومنلا (Common Law) میباشد در هر سه قسمت قائل به مرور
 زمان شده و آنرا یگانه وسیله ای برای اسقاط دعاوی و رفاهیت
 عامه میدانند .

در قانون اصول محاکمات انگلیس که در سال ۱۹۲۵ وضع شده مدت
 مرور زمان را بیست و سی و چهل سال قرار داده که موارد آن فرق میکند
 و اکنون در تمام محاکم انگلستان بموقع اجراء گذارده میشود .

مرور زمان در آلمان

در آلمان مرور زمان را فریهرونك (Verjährung) میگویند که
 معنی لغوی آن ریشه دواندن و یا مزمن شدن است و علمای حقوق آلمان را
 عقیده براین است که ید تصرف پس از مدت معینه در قانون کاملاً ریشه دوانیده
 و باندازه ای وضع ید و تصرف مزمن شده است که تداوی و رفع آن از طریق
 خلع ید غیر ممکن میباشد - لذا برای مرور زمان این کلمه را وضع نموده
 و حقوق آلمان هم مخصوصاً در قانون مدنی آن کشور چنین تعریف شده است
 که مرور زمان در نتیجه انقضاء مدت معین هر نوع حقی را اسقاط نموده و
 نیز شامل حقوقی است که هر فردی از دیگری برای فعل و یا ترك فعلی تقاضا
 مینماید و قانون مدنی آن کشور در ماده ۱۹۴ این معنی را کاملاً تأیید میکند
 که عین آن تعریف با ماده مذکور در فوق ذیلا نقل میشود :

**Die Verjährung ist nach dem burgerlichen Gesetzbuch
 verwirken eines Anspruchs durch Zeitablauf. Das Recht, von
 einem anderen ein Tun oder ein Unterlassen zu verlangen
 (Anspruch) unterliegt der Verjährung.**

در آلمان هم دو قسم مرور زمان موجود است مرور زمان مسقط را فریه ر ونك (Verjährung) و مرور زمان مملك را ارزیتسونك (Ersitzung) میگویند و معنی آن مالکیت در نتیجه تصرفات متمادی است مدت مرور زمان مملك سی سال و مدت مرور زمان مسقط ده سال میباشد و در مورد مرور زمان مملك هم مدت آن دو سال و چهار سال و سی سال برحسب موارد فرق میکند .

ساوینی (Savigny) یکی از فقهاء آلمان قوانین را مولود افکار و روح ملت دانسته و بعقیده او قدمت و قوت که شرط اعظم عرف و عادات میباشد در مرور زمان کاملاً رعایت شده و تصرفات متمادی را موجب حقی برای متصرف آن میدانند که بهیچوجه نمیتوان آنرا سلب نمود و در زمان فردریک گیوم چهارم نیز برای (Frédéric Guillaume IV) مرور زمان موارد خاصی را قائل شده اند که قسمتی از آنها در قانون مدنی آلمان پیشینی شده است و مدت آنهم برحسب اموال منقوله و غیر منقوله فرق میکند .

مرور زمان در ایتالیا

در ایتالیا مرور زمان را پرسکریپسیونه (Prescrizione) میگویند که معنی آن مانند کلمه مرور زمان فرانسه سر لوحه میباشد که قبلاً شرح آن ذکر شده است و مرور زمان در حقوق ایتالیا عبارت از تملیک حق و یا برائت مافی الذمه میباشد که عین تعریف قانون مدنی ایتالیا که آنرا کودیچه و یله میگویند ذیلاً درج میشود .

La Prescrizione è un mezzo con cui, coldecorso del tempo e sotto condizioni determinate, taluno acquista uu diritto od è liberato da un obligazione

عقیده علمای حقوق ایتالیا نسبت به کوچکترین فایده مرور زمان این است که متصرف حق دارد تا موقعی که مدعی مالکیت صحت دعوی خود را ثابت نکرده است مال مورد تصرف را حفظ کرده و مورد استفاده قرار دهد و اگر نزاع و یادعوائی بین مدعی مالک و متصرف حادث شود متصرف مدعی علیه بوده و بار سنگین اثبات دعوی و اقامه دلیل بر دوش مدعی مالکیت

که سمت مدعی را دارد خواهد بود .

بارتول (Bartole) که یگی از فقهاء بزرگ ایتالیا است قائل باسقاط دعاوی در نتیجه تصرفات متمادیه بوده و آنرا به پی و پایه ساختمان تشبیه نموده که اصل مالکیت روی آن استوار گشته است .
در دوره سلطنت ویگتور امانوئل (Victor Emmanuel) برای مرور زمان مقررات شرایطی وضع نموده و آنرا نسبت بکلیه اموال تعمیم داده اند و کاوور (Cavour) در پیشرفت این مقصود مجاهدت نمود .

مرور زمان در ترکیه

در ترکیه کلمه مرور زمان را برای اسقاط دعاوی اعم از منقول و غیر منقول وضع نموده اند و در بادی امر برای این مفهوم این جمله را استعمال نمودند (حصول حق بمرور زمان) که بعد ها از لحاظ اختصار کلمه حصول حق را حذف نموده و فقط بلفظ مرور زمان اکتفا نمودند .

در ترکیه هم دو نوع مرور زمان وجود دارد مرور زمان مملک (تملکه سبب اولان مرور زمان) و مرور زمان مبری (برائتی موجب اولان مرور زمان) که این دو اصل موجب اسقاط کلیه دعاوی خواهد بود .

سلطان سلیم عثمانی در سنه ۱۵۱۷ برای اسقاط دعاوی اعم از منقول و غیر منقول مدت مرور زمان را پانزده سال قرار داده و فرمانی هم در این باب صادر نمود که احکام اجتهادی فقها از این بیعد باید با نظر سلطان انجام گیرد و در دوره سلطان محمد برای هر نوع دعاوی مرور زمان خاصی قائل شدند که در دوره زمامداری غازی مصطفی کمال آتاتورک این اصل تحت اصول و شرایطی درآمده تا در سایه آن از کثرت دعاوی جلوگیری شود .

مرور زمان در مصر

در مصر مرور زمان را تقادم میگویند و معنی تحت اللفظی آن گذشتن زمان و قدمت میباشد که همان مفهوم کلمه فریهرونک (Verjährung) آلمانی را که معنی آن محترم داشتن اشیاء از لحاظ قدمت است دارد .

قانون مدنی مصر که بر طبق پیشنهاد خدیو در ۲۶ ذیحجه سنه ۱۳۰۰

هجری از مجلس شورای مصر گذشته مدت پنجاه سال برای مرور زمان املاک و حقوق عینیه قائل شده اند در صورتیکه تصرف و وضع ید مبتنی بر سبب صحیح بوده باشد و در مورد انتفاء این شرط مدت مرور زمان آن پانزده سال میباشد که عین ماده ذیلا نقل میشود .

الفصل السابع

فی التملك بمضى المدة الطويلة

(المادة ٧٦)

تحصیل ملكية العقارات و الحقوق العينية لمن وضع يده عليها ظاهراً بنفسه او بوكيل عنه بغير منازع مدة خمس سنوات متواليات بصفة مالك بشرط ان يكون وضع اليد المذكور مبينا على سبب صحيح فاذا لم يوجد ذلك السبب لا تحصل له الملكية الا اذا وضع يده مدة خمس عشرة سنة .

در ۱۷ ژوئیه ۱۸۸۰ هم قانونی در مصر وضع شد که قضات را از رسیدگی بدعاوی که پانزده سال از آن گذشته است ممنوع نمودند و نسبت به وقف وارث هم مدت مرور زمان را سی و سه سال قرار داده مشروط بر اینکه تصرف ذوالید از این عیوب که اکراه - عدم استمرار - خفا - غموض - نیابت ید و حیازت فرضی است خالی و معری باشد .

مرور زمان در شام و یمن و حجاز

در شام و یمن و حجاز هم همین کلمه را اتخاذ نموده و گاهی هم علاوه بر استعمال لفظ تقادم کلمه مرور زمان و یا استحلال را نیز در عرف عامه و همچنین در قوانین استعمال مینمایند .

مرور زمان در عراق

در عراق هم مرور زمان برای تصرفات متمادیه و اسقاط حق وجود دارد که تاریخچه آن از قرار شرح ذیل است .

بموجب ماده ۲۲ اساسنامه جامعه ملل و مواد چهارده گانه ویلسن رئیس جمهور آمریکا بعضی از اقوامی که سابقاً جزء دولت عثمانی بوده اند رشد و

ترقی آنها بعدی رسیده است که وجود آنان را میتوان بعنوان دولت مستقل پذیرفت و از آن جمله عراق میباشد که پس از فتح در جنگ بین الملل و انتزاع آن از دولت عثمانی از قید اداره فاتح خارج گردیده و در ۱۹۲۰ تحت هدایت و راهنمایی جامعه ملل بوسیله بکنفر نماینده اداره شده و امروز از لحاظ رشد و تکامل دولت مستقلی را تشکیل داده است لذا در دوره زمامداری دولت انگلیس در ۲۸ دسامبر ۱۹۱۷ بیانیه ای از طرف ویلیام رین مارشال نایت فرمانده باس و فرمانده کل قوای انگلیس در بین النهرین منتشر و در بیانیه خود نسبت بهرور زمان در قسمت نوزده چنین مقرر داشته است .

از نظر تملک عین و یا اسقاط حق از طریق مرور زمان اگر در دوره فترت که عبارت از فاصله بین آخرین جلسه محکمه صالحه متشکله بر طبق قانون دولت عثمانی و اولین روز افتتاح محکمه صالحه بر طبق بیانیه منتشره مدت مرور زمان محسوب نخواهد شد و از لحاظ اهمیت عین آن ذیلا درج میشود .

As regards the acquisition of or barring of any right by prescription if during the period between the last sitting under Turkish rule of the competent court, and before the opening, in accordance with this proclamation of a court competent to hear and deal with the case, the term of prescription shall have expired, such period shall be excluded in calculating the period of prescription.

لذا بموجب این بیانیه علاوه بر مدت مرور زمانی که در دوره حکومت قوانین عثمانی تحصیل شده بود مدت مرور زمان حکومت بیانیه و اعلامیه را که افتتاح محکمه بدو آنرا تشکیل میدهد به آن مدت ضمیمه شده و مدت مرور زمان را تشکیل میدهد .

در دوره سلطنت مرحوم امیر فیصل هم در قوانین کشور عراق اصلاحاتی بعمل آمده و موارد خاصی برای مرور زمان مملک و مرور زمان مسقط قائل شده اند که در تمام کشور عراق معمول و متداول است و در قوانین موضوعه بهمین لفظ تفوه شده است .

مرور زمان در ایران قدیم

مرور زمان در ایران از دوره ساسانیان معمول و متداول بوده و حقوق آندوره از اوستا اقتباس شده است زیرا اوستا علاوه بر اذکار و ادعیه مسائل حقوق مدنی و جزائی و اداری و اساسی را نیز دارا است و مدت مرور زمان برای اسقاط دعوی در آن دوره چهل سال بوده که اگر کسی در مدت مقرر در مقام مطالبه حق خود بر نیاید دیگر محق برای مطالبه آن نخواهد بود و سکوت او بمنزله اعراض تلقی میشد و در اعیاد مهرگان و نوروز بارعام تشکیل میشد و کلیه سلاطین مخصوصاً « خسرو پرویز بدعاوی که زائد از ۴۰ سال از عمر آن گذشته بود رسیدگی نکرده و حکم بر رد آن میداد.

مرور زمان در اسلام

در دوره اسلام چون منابع حقوق منحصر به فقه بوده و ارکان آنهم که عبارت از کتاب و سنت و عقل و اجماع باشد از سقوط احتمالی حق بوسیله مرور زمان ۳ یا ۱۰ سال صحبت نموده اند.

کتاب که یکی از ادله اربعه و مراد آن قرآن است شامل قواعد حقوقی است که در ضمن آیات و سوره ها پراکنده میباشد عنده از علماء بزرگ کلیه قواعد آنرا استخراج کرده و در یک رساله جمع آوری نمودند از قبیل کنز العرفان فی فقه القرآن که مؤلف آن مقدماد میباشد و نیز آیات الاحکام که مؤلف آن مقدس اردبیلی است.

در حیات پیغمبر آیات بوسیله ایشان تفسیر شده و بعد از نبی اکرم هم تفسیر نویسی معمول گردید از قبیل تفسیر طبری - صافی - ثعالبی - زمخشری طنطاوی - ابوالفتح رازی.

در قرآن در آیه ۱۰۵ از سوره یوسف نسبت به اسقاط حق در نتیجه اعراض و مرور زمان اینطور اشاره شده است.

(و کاین من آیه فی السموات والارض یمرون علیها وهم عنها معرضون)
 که مقصود این است که هر کس در نتیجه توجه و دقت و استیلاء و وضع ید بر اشیاء که آیات و غرائب خلقت میباشد قادر بر استفاده از کلیه حقوق و مزایا و اثرات آن بوده و از آن بهره مند میگردد ولی بر خلاف

در اثر مسرور و اعراض از آن حقوق مزبوره سلب و از تمتع آن محروم خواهد شد .

ثانیاً - سنت که روش و رفتار و قول و فعل نبی است که برای حفظ آن کلیه مسلمین اخبار را جمع آوری نموده که صحاح سته مجموعه ای از آنها را تشکیل میدهد از قرار شرح ذیل است .

۱ - الجامع الصحیح تالیف ابو عبدالله محمد بن اسمعیل بخاری .

۲ - الصحیح مسلم بن حجاج نیشابوری .

۳ - ابوداود سجستانی .

۴ - النسائی .

۵ - ترمذی .

۶ - ابن ماجه قزوینی .

و کلیه احکام و اصول مذهب جعفری در چهار کتاب میباشد .

۱ - کافی .

۲ - من لایحضره الفقیه .

۳ - تهذیب .

۴ - استبصار .

لذا برای اسقاط حق گرچه حدیثی را به نبی نسبت میدهند که مانع از اسقاط میباشد و مضمون آن حدیث این است (لایطل حق امری مسلم وان قدم) ولی چون صحت آن از لحاظ عمل و اقوال علماء که از آن جمله احکام اسقاط در مذهب اهل تسنن مطابق تحفه ابن عاصم که از اجله علماء است مشکوک میباشد و عقل هم که از ادله اربعه است این معنی را نیز تأیید میکند و از این قرار است.

فصل فی حکم الحوز

عشر سنین فالتملك استحق
مع الحضور عن خصام فيه
اوما يضايه فلن يعة را
من قائم فليشتن ما ادعا

والاجنبى ان يحز اصلا بحق
و انقطعت حجة مدعى
الا اذا اثبت حوزا بالكرا
او يدعى حصوله تبرعا

او یخلف القائم والیمن له و یثبت الدفع والا الطالب و ان یکن مدعیاً اقاله و التسع کالعشر لیدی ابن قاسم و المدعی ان اثبت الراع مع و قائم ذو غیبة بعیده و البعد کالسبع و کالثمان و کالحضور الیوم و الیومان و الا قریبون حوزهم مختلف و ان یکن بمثل سکنی الدار فهو بما یحوز الاربعینا و مثله ما حیز بالعناق و فیه بالهدم و بالبنیان و فی سوی الاصول حوز الناس و ما کمرکوب فقیه لزمنا و فی العبیده به ثلاثه فما و السوطی الاماء باتفاق و الماء اللاعلین فیما قدما و ما رمی ابحریه من غیر پس حقوق اسلامی از حقوق مدون و حقوق عادی ترکیب شده که حقوق مدون آن کتاب و سنت و حقوق عادی آن اجماع و عقل و یا قیاس میباشد و اسقاط دعاوی را در تمام این موارد تجویز نموده اند .